

گزارش موردی:

نهضت داوطلبی ورزشی و چالش‌های توسعه سرمایه‌ای: با رویکرد

مدیریت رویدادهای ورزش دانشگاهی کشور

مبین حاجی حسنی *^۱ محمود گودرزی^۲، امین دهقان قهفرخی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. استاد گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران

۳. استادیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران

در قلمرو سراسری جهان، داوطلبان یکی از جنبه‌های محوری زندگی اجتماعی هستند و در این بین داوطلبی ورزشی یکی از متداول‌ترین و بیش‌ترین حوزه‌های مشارکت داوطلبی را نشان می‌دهد. به لحاظ تاریخی نیز در بخش ورزش، ارائه برنامه‌ها و رویدادها بر اساس نیروی داوطلب ساختاریافته است و این مورد هم از کوچک‌ترین باشگاه ورزشی غیررسمی جامعه گرفته تا بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رویدادهای ورزشی جهان نیز صادق است (هوی و همکاران^۱، ۲۰۲۰). از طرفی موضوعی که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به‌خود جلب کرده است، نقش مهم داوطلبان در عملکرد سازمان‌ها و به‌ویژه سازمان‌های ورزشی است؛ به‌طوری که گفته می‌شود حتی برگزاری موفقیت‌آمیز بازی‌های المپیک، فقط به رهبری قوی مدیران آن‌ها نیست بلکه به دلیل انرژی، تلاش و زمانی است که هزاران داوطلب در برگزاری این رویداد بزرگ ورزشی صرف می‌کنند (چلادورای، ۲۰۰۶). در کشور ما نیز با توجه به اقتضای ملی یکی از رویدادهایی که بیش‌ترین فعالیت داوطلبی را در آن می‌توان شاهد بود، رویدادهای ورزش دانشگاهی است که عمده فعالیت‌های داوطلبی در این رویداد بر عهده دانشجویان علاقه‌مند به فعالیت داوطلبی در ورزش دانشگاهی است که مدیریت مطلوب این قشر از داوطلبان، سازمان‌ها و مراکز آموزش عالی را به اهداف و موفقیت‌های عملکردی خود نزدیک‌تر خواهد کرد. چرا که توجه به نقش ورزش دانشگاهی می‌تواند بسیار مفید و نقشی حیاتی در تعمیم عملکرد دانشجویان

در زمینه‌های ورزشی و تربیت بدنی داشته باشد. زیرا پرداختن به ورزش در تمامی ابعاد روانی و اجتماعی و دیگر عوامل دربرگیرنده سلامتی دانشجویان مفید می‌باشد و از دیدگاه آسیب‌شناسی اجتماعی نیز ورزش به‌طور عام و ورزش در اوقات فراغت به‌طور خاص، سهم عمده‌ای در پیش‌گیری از ابتلای نوجوانان و جوانان به انواع آسیب‌های اجتماعی مانند بزهکاری و مفاسد اجتماعی دارد. در این راستا روی آوردن به ورزش دانشگاهی و فرهنگ برآمده از آن که بتواند به بهسازی و سلامت این نهاد پیچیده بینجامد، می‌تواند قابل‌گسترش در تمام نظام علمی کشور باشد؛ مسلماً وجود یک استراتژی هوشیارانه در زمینه ورزش دانشگاهی، می‌تواند کلید اساسی رسالت عقل سالم در بدن سالم را در بین قشر دانشجویان فراهم آورده و در عین حال، رسالت سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی آنان را شکل خواهد داد. شیوع ناهنجاری‌های روانی، فرهنگی و اجتماعی در بین دانشجویان امری خوشایند نبوده و افزایش چنین اختلالاتی در بین این قشر آینده‌ساز، باعث افت تحصیلی و دور شدن از شاخص‌های توسعه انسانی می‌شود؛ چون از یک سوء بیانگر شروع ناهنجاری در سنین حساس و حیاتی زندگی فرد بوده و از سوی دیگر بیانگر تداوم مخرب آن در آینده خواهد بود، که در نهایت بنیان‌های جامعه را به مخاطره خواهد انداخت (حاجی حسنی، ۱۳۹۹). از این‌رو ورزش دانشگاهی نقش مهمی را در توسعه کشور ایفا می‌کند و این امر در سلامت جسمی، روحی و روانی، فرهنگی و اجتماعی جوانان کشور نقش به‌سزایی دارد؛ در حقیقت جوانان آینده‌ساز کشور هستند که سلامت آنان، پویایی جامعه را تضمین می‌کند. رویدادها و فعالیت‌های ورزشی بین دانشگاهی نیز از کیفیت فعالیت‌های ورزشی در درون دانشگاه‌ها نشأت می‌گیرد و تربیت بدنی دانشگاه‌ها، می‌بایست زمینه لازم را برای حضور دانشجویان در برنامه‌های مختلف ورزشی به‌صورت داوطلبانه مهیا سازند؛ زیرا برگزاری موفق بسیاری از رویدادهای ورزشی دانشگاهی به حضور هرچه پررنگ‌تر دانشجویان داوطلب می‌باشد که بدون هیچ چشم‌داشتی، وقت و تلاش زندگی را برای سلامتی و خدمت‌رسانی به هم‌نوعان خود صرف می‌کنند. از طرفی فراهم کردن زمینه مشارکت جوانان دانشجویان در فعالیت‌های داوطلبانه ورزشی در مراکز آموزش عالی و ترویج فرهنگ داوطلبی در دانشگاه‌های کشور، می‌تواند زمینه‌ساز فرهنگ داوطلبی و گسترش این نهضت در دیگر زمینه‌های توسعه سرمایه‌های ورزشی، اجتماعی و فرهنگی کشور باشد. این درحالی است که شواهد و پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که در کشور ما و به‌ویژه در بخش ورزش دانشگاهی، نهضت داوطلبی رشد چندانی نداشته و داوطلبان نقش چشم‌گیری در اجرای رویدادهای ورزشی ندارند؛ در نتیجه تربیت بدنی دانشگاه‌ها ابتدا باید زمینه‌های رشد هرچه بیش‌تر این نهضت را یافته و در بین دانشجویان خود ایجاد انگیزش نماید تا آنان بتوانند به‌صورت داوطلبانه در فعالیت‌های ورزشی دانشگاهی حضور یابند و از این طریق نیازهای خود را رفع نمایند. همچنین با



شناخت آسیب‌ها و کنار زدن موانع کار مدیریت داوطلبی در مراکز آموزش عالی، زمینه را برای توسعه و بهبود هرچه بهتر این نهضت فراگیر فراهم نمایند.

با توجه یافته‌های پژوهش می‌توان اذعان داشت کاهش بسیار دانشجویان داوطلب رویدادهای ورزش دانشگاهی کشور و تسریع این روند در سال‌های اخیر، به‌ویژه در بخش ورزش دانشگاهی و سرگرمی که بخش زیادی از فعالیت‌های آن بر عهده مدیریت تربیت بدنی دانشگاه‌ها است؛ از عوامل آسیب‌های چندجانبه‌ای نشأت می‌گیرد که کم توجهی یا عدم توجه به هریک از آن‌ها موجب نگرانی‌های زیادی شده است. چرا که این امر می‌تواند، به سلامت، شور و نشاط تحرک‌محور ورزش دانشگاهی که نسبت به دیگر محیط‌های ورزشی باید به دلیل حضور منابع نخبه و علمی سرآمد باشد؛ لطمه زده و محیط‌های آکادمیک کشور را با چالش‌های جدی روبرو نماید. پی ۲۰۰۱ دلایل داوطلب نشدن افراد دانشجو را در رویدادهای بین‌المللی از لحاظ اهمیت در موارد ذیل خلاصه نموده است (پی، ۲۰۰۱): عدم برنامه‌ریزی مناسب رویدادها، ارجح دانستن مسئولیت‌های کاری و تحصیلی از فعالیت‌های داوطلبانه، مشکلات ایاب و ذهاب برای عزیمت به شهرهای میزبان مسابقات، مشکلات مالی، وقت‌گیر بودن فعالیت‌های داوطلبانه، مسئولیت‌های خانوادگی، عدم ارتباط فعالیت‌های داوطلبانه با شغل و رشته تحصیلی آن‌ها، عدم جذابیت رقابت‌های ورزشی بین‌المللی و عدم حضور رشته مورد علاقه در این رویدادها دارند.

طی دو دهه گذشته، مدیریت داوطلبان به شغلی خاص مبدل شده است؛ چراکه سازمان‌های ورزشی ضرورت حضور اثربخش داوطلبان را درک کرده‌اند. در پژوهش حاضر و در فرآیند مدیریت داوطلبان ورزشی، برنامه‌ریزی اولین گام فرآیند مدیریت داوطلبان ورزشی معرفی شده است که مدیران داوطلبی ورزشی باید با شناخت اهداف و ماموریت‌های سازمانی خود و شناخت نقاط قوت و ضعف در هر یک از مراحل هشت‌گانه در زمینه جذب، گزینش و انتخاب، آشنایی و توجیه، به‌کارگیری و پاداش، حفظ یا جایگزینی دانشجویان داوطلب رویدادهای ورزش دانشگاهی کشور، اقدام به برنامه‌ریزی و گاه حذف موانع عملکردی در هر یک از زیر بخش‌های معرفی شده این نهضت، در سطح دانشگاه‌های کشور باشند. این در حالی است که در پژوهش‌های دیگری که صورت گرفته است گاه شناسایی و جذب داوطلب را اولین گام عملی محسوب کرده‌اند؛ برای مثال در پژوهش حمیدی و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر جذب داوطلبان در ورزش همگانی، جذب داوطلب را اولین گام معرفی کرده‌اند و بیان داشتند مدیران داوطلبی رویدادهای ورزش دانشگاهی با شناخت، درک خصوصیات و حالات شناختی دانشجویان داوطلب و تلاش در راستای شناخت و حذف آسیب‌های موجود در زمینه جذب، می‌توانند گروه‌های مناسبی از دانشجویان را برای جذب داوطلبی در رویدادهای دانشگاهی مورد هدف قرار دهند و روش‌های مدیریت مؤثر را تدوین کند و انگیزه‌های

جذاب را در تلاش برای به‌کارگیری، حفظ و جایگزینی دانشجویان داوطلب فعلی فراهم کنند. برخلاف کارمندان حقوق بگیر که خود روند جذب را آغاز می‌کنند، داوطلبان باید از طریق دیگران جذب شوند. بنابراین عوامل مختلفی می‌تواند در جذب داوطلبان تأثیرگذار باشد. کاسکلی و همکاران (۲۰۲۱) نیز پژوهشی با عنوان رویکرد مدیریت استراتژیک منابع انسانی جهت انتخاب داوطلبی یک رویداد بزرگ ورزشی انجام دادند که نتایج پژوهش حاکی از آن است، انتخاب بهترین متقاضیان واجد شرایط داوطلبی برای پست‌های موجود، مستلزم فرآیندهای گزینشی منصفانه، موثر و کارآمد از چشم‌انداز داوطلبان و کمیته برگزارکننده رویداد می‌باشد از این‌رو یافته‌های پژوهش حاضر نیز در زمینه گزینش و انتخاب هم‌خوانی دارد؛ چرا که مدیران داوطلبی با توجه به این امر می‌توانند گزینش و انتخابی منصفانه داشته و گاهی ناعدالتی و آسیب‌هایی که در راستای رویدادهای ورزش دانشگاهی مشاهده می‌شود، رفع کرده و برابری و شایسته‌سالاری را در گزینش و انتخاب دانشجویان داوطلب جاری سازند.

کم توجهی به غنی‌سازی تجربه‌های دانشجویان داوطلب جذب شده برای فعالیت در رویدادهای ورزش دانشگاهی و کمبود برگزاری دوره‌های آموزشی مناسب برای دانشجویان داوطلب، می‌تواند از چالش‌های دیگری باشد که مدیران داوطلبی از آن‌ها غافل می‌شوند. چنانچه بهترین انتخاب‌ها از بین شایسته‌ترین دانشجویان داوطلبی، گزینش و انتخاب شوند ولی اگر به آن سطح از آموزش و توسعه مهارت‌های مورد نیاز رویدادهای ورزش دانشگاهی دست پیدا نکنند یا از طریق برگزاری برنامه‌های ورزشی متعدد در مراکز آموزش عالی یا دانشگاه‌ها آموزش نبینند؛ عملاً توفیقی را برای رویدادهای ورزش دانشگاهی در پی نخواهد داشت. چرا که فرآیند آموزش یکی از ارکان اصلی مدیریت داوطلبی محسوب می‌شود و غافل شدن از این امر مهم و خطیر موفقیتی را در قبال تلاش‌ها و زحماتی که متحمل مجموعه می‌شود را بی‌اثر خواهد کرد. از طرفی به نیازهای توسعه مهارت و رشد دانشجویان داوطلب توجه چندانی نمی‌شود. شاید دانشجویان با آموزش‌های قبلی جذب فعالیت در رویدادهای ورزش دانشگاهی شوند ولی چنانچه توسط مدیران به نیازهای توسعه مهارت آن‌ها توجه خاصی صورت نگیرد، پیشرفتی در روند برنامه‌های راهبری سازمان و توسعه این نهضت صورت نمی‌گیرد. در نتیجه مراکز آموزش عالی باید با بهره گرفتن از افراد متخصص و خبره در امر آموزش داوطلبی رویدادهای ورزش دانشگاهی که خود سال‌ها تجربه خدمت و کار با دانشجویان داوطلب را داشته‌اند، موجبات رشد و توسعه مهارت منابع با ارزش داوطلبی خود را رقم زنند. همچنین در برخی از مواقع توجه کردن به استفاده از دانشجویان با تجربه داوطلبی رویدادهای ورزش دانشگاهی، برای تمرین و توسعه عملکرد داوطلبان جدید می‌تواند بسیار سودمند و درخور توجه باشد. چرا که این دانشجویان سال‌های سال با ادارات تربیت بدنی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و همچنین برگزاری رویدادهای متعدد ورزشی در



سطح دانشگاه‌ها، تجربیات ارزشمندی را کسب کرده‌اند که اعتماد در به‌کارگیری این قشر داوطلب خبره در امر آموزش و ارائه تجربیات ارزشمند آن‌ها به دانشجویان داوطلب جدید، می‌تواند بسیار سودمند باشد و از هزینه‌های نهایی که در باب آموزش، تمرین و توسعه عملکرد دانشجویان صرف می‌شود بکاهند. بنابراین سازمان‌ها و مراکز آموزش عالی کشور باید با فراهم کردن و در اختیار گذاشتن امکانات موجود خود در راستای آموزش و گسترش فعالیت‌های تمرینی دانشجویان داوطلب قبل از برگزاری رویدادهای اصلی ورزشی، با اجرای یک برنامه شبیه‌سازی شده از رویداد مشابهی که در زمان مقرر برگزار خواهد شد، می‌توانند کمک شایانی را در امر خطیر آموزش و توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی دانشجویان داوطلب داشته و در این راستا حمایت‌های ارزشمندی را از برگزاری هرچه باشکوه‌تر رویداد به کمک دانشجویان داوطلب کرده باشند.

ارزیابی عملکرد دانشجویان داوطلب از دیگر مولفه‌های مدیریت داوطلبی رویدادهای ورزش دانشگاهی است که در جایگاه خود نقش اساسی و مهمی را دارا می‌باشد. ارزیابی یکی از وظایف و جنبه‌های اساسی هر نوع مدیریتی است که مدیران باید در کلیه امور و برنامه‌های سازمانی خود به‌کارگیرند. از این‌رو مدیریت داوطلبی رویدادهای ورزش دانشگاهی نیز یکی از فعالیت‌های مدیران دانشگاهی است که حتماً باید در تمامی مراحل هشت‌گانه ذکر شده اعمال و اجرایی شود؛ تا انحرافات عملکردی در زمینه عملکرد دانشجویان داوطلب و یا مراحل مدیریت داوطلبی، مشخص شده و نهایتاً سعی بر اصلاح و ترمیم آن باشد. در غیر این صورت انحرافات عملکردی مانع از دستیابی مستمر برنامه‌های توسعه‌ای در رویدادهای ورزش دانشگاهی خواهد بود و گاهی اوقات دنبال نکردن یا کم‌توجهی به چنین روال منسجمی، چالش‌هایی را برای این نهضت فراهم کرده است. در چنین مواقعی موجبات نارضایتی دانشجویان داوطلب نیز رقم خواهد خورد و این امر می‌تواند سبب کناره‌گیری یا نهایتاً سلب همکاری این قشر از منابع انسانی با ارزش در ورزش دانشگاهی کشور شود. بنابراین فرآیند نظارت و ارزیابی عملکرد مدیریت داوطلبی رویدادهای ورزش دانشگاهی، نیازمند آن است که دانشجویان داوطلب بدرستی بر اساس سطح تحصیلات، دانش فنی، توانمندی‌ها و کارایی در قسمت‌ها و مشاغل مختلف رویداد، سازماندهی شده باشند. در ادامه، توانمندی‌ها و علائق داوطلبان جذب شده باید بدرستی ارزیابی و مورد سنجش قرار گیرد. بعضی از دانشجویان داوطلب قدرت تجزیه و تحلیل پائین‌تری در مجموعه دارند ولی قدرت پیگیری آن‌ها بالا می‌باشد، بعضی دیگر برای انجام کارهای اجرایی ضعیف هستند ولی در امور پژوهشی و تحقیقاتی قوی ظاهر می‌شوند؛ تعدادی دیگر فاقد قدرت مدیریت و اداره کردن امور رویداد می‌باشند، اما به تنهایی به‌عنوان یک کارشناس موثر و کارا می‌توانند برای رویدادهای ورزش دانشگاهی مفید واقع شوند و چندین موارد و خصوصیات دیگر در افراد وجود دارد که مدیران داوطلبی باید آن‌ها را شناسایی کنند و بر اساس خصوصیات، مهارت، دانش و علائق

دانشجویان داوطلب تعریف گردد. به-کارگماردن دانشجویان داوطلب نیز در قسمت‌هایی که با توجه به خصوصیات و تخصص آن‌ها مناسب نمی‌باشد، علاوه بر اختلال در انجام وظایف آن بخش از رویداد، باعث ناکارآمد جلو داده شدن دانشجوی داوطلب نیز می‌شود و این فرد در حاشیه کاری قرار گرفته و به تدریج باعث حذف از سیستم و یا انزوای آن در فعالیت‌ها می‌شود و در نهایت مدیران داوطلبی رویدادهای ورزش دانشگاهی، نمی‌توانند از خصوصیات و تخصص‌های مناسبی که در این گونه افراد وجود دارد، استفاده بهینه و مطلوبی داشته باشند. درحالی که اگر مدیران داوطلبی بدرستی توانایی افراد مجموعه خود را ارزیابی کرده و به شناخت کافی از میزان تخصص و کارایی دانشجویان رسیده باشند، نیاز به انجام هزینه‌های زیاد برای استفاده از خدمات خارج سازمانی نبوده و بدون هیچ هزینه کردی و یا با اختصاص مبالغ بسیار پائین‌تر، توسط دانشجویان داوطلب و با توجه به شناخت و آشنایی آن‌ها با محیط کاری قبلی خود، پروژه‌های مورد نیاز در برگزاری رویدادها تعریف شده و در مدت زمان کم‌تر و با کیفیت بالاتری به اتمام می‌رسد.

همچنین شواهد نشان می‌دهد داوطلبان همیشه برای تلاش‌های‌شان شناسایی و تقدیر نمی‌شوند، و اغلب آن‌ها بعد از برگشت از یک رویداد به رویدادهای بعدی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. دلیل این امر از زمینه‌های متعددی سرچشمه خواهد گرفت، که یکی از این عوامل می‌تواند به دلیل عدم توجه به نیازهای روانی آنان همچون تشویق و قدردانی باشد؛ بدون تردید در نظامی که بر پایه عدالت بنا نهاده شده است، قدردانی از نیکوکار امری ضروری و بایسته است و خداوند متعال در قرآن کریم سفارش کرده است که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد و آیا جزای نیکی جز نیکی است؟! همچنین در آیه دیگری فرموده است: هر کس کار نیکی به‌جا آورد، خداوند کریم ده برابر آن را برایش پاداش می‌دهد. این عمل شایسته در دید بزرگان امت اسلامی نیز قابل رویت است و امیرمومنان حضرت علی (ع) در فرمان‌های حکومتی و نامه‌ها به امین خود مالک اشتر، بر این اصل مدیریتی پایبند بوده و می‌فرماید: پس آرزوهای سپاهیان را برآور و همواره از آنان ستایش کن و کارهای مهمی که انجام داده‌اند بر شمار، زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را برمی‌انگیزاند و ترسوها را به تلاش وا می‌دارد.

بنابراین زمانی که مدیر رفتارهای شایسته دانشجویان داوطلب را نادیده انگارد و پس از هر فعالیت داوطلبی از اعمال نیکو و خدمت‌رسانی داوطلبان چشم‌پوشد، در واقع میان نیکوکاری دانشجویان داوطلب و دیگر دانشجویان، مساوات برقرار کرده است و این برابری می‌تواند انگیزه نیک‌کردار آن‌ها را سست کند و رغبت سابق دانشجویان پراگیزه در انجام فعالیت‌های داوطلبی را بکاهد. گاهی از اوقات نیز در رفتار مدیران مشاهده می‌شود که در ارائه پاداش‌های معنوی به قدری تعلل و تاخیر صورت می‌گیرد که این آسیب نیز تبعات و چالش‌هایی را برای مراحل بعدی مدیریت دانشجویان داوطلب



به‌همراه خواهد داشت. از طرفی باید با توجه به اولویت علاقه و خصوصیات فردی نیروهای داوطلب که در هنگام ثبت نام در فرم آمده است، آن‌ها را به‌کار گماشت. بنابراین نادیده گرفتن این مسائل می‌تواند مدیران را در به‌کارگیری مجدد داوطلبان در سایر رویدادهای ورزش دانشگاهی همراهی نکند؛ چرا که نیروهای داوطلب یکی از ارکان اصلی خدمات‌رسان در سازمان‌های ورزشی به‌شمار می‌آیند و نقش عمده‌ای در موفقیت بسیاری از مسابقات و رویدادهای ورزش دانشگاهی ایفا می‌کنند.

جانسون و همکاران (۲۰۱۷) نیز، به پژوهشی تحت عنوان انگیزش، رضایت‌مندی و حفظ و نگهداری دانشجویان داوطلب مدیریت ورزش پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که دانشجویان تمایل بیشتری به داوطلب شدن از طریق علاقه به ورزش و عوامل انگیزشی شغلی دارند. تقویت انگیزه‌های شغلی، اجتماعی، ادراکی به‌طور قابل توجهی به پیش‌بینی رضایت‌مندی کمک کردند. درحالی که کار، اجتماعی شدن و رضایت‌مندی به‌طور قابل توجهی حفظ و نگهداری را پیش‌بینی می‌کردند. با توجه به پیشینه‌های پژوهش ارائه شده می‌توان دریافت اهمیت حفظ و نگهداری دانشجویان داوطلب نیز بر کسی پوشیده نیست ولی این موضوع در صورت عدم توجه کافی می‌تواند به نوبه خود چالش‌هایی را در زمینه‌های دیگر مدیریت داوطلبی، از جمله هزینه‌های آموزش داوطلبان جدید و جایگزینی داوطلبان شایسته را در پی داشته باشد. افراد مسئول باید به این نکته توجه داشته باشند که اگر فرآیند مدیریت داوطلبی دانشجویان به خوبی صورت گیرد، حفظ و نگهداری دانشجویان داوطلب نیز راحت‌تر خواهد بود. چه بسا مدیران رویدادهای ورزش دانشگاهی با بهترین شیوه‌های جذب و گزینشی، شایسته‌ترین دانشجویان مستعد داوطلبی رویدادهای ورزش دانشگاهی را برگزیده و به خدمت رویدادهای ورزشی دانشگاهی درآمده باشند و سپس با روش‌های مختلف ارزیابی و آموزش، موجبات افزایش بینش، دانش و مهارت این قشر از دانشجویان نیز فراهم شده باشد، لیکن چنانچه در طول خدمت از آن‌ها به نحو خوب و مطلوب نگهداری نشود، یا فعالیت در دیگر رویدادهای ورزشی جاذبه‌های بیش‌تر و بهتری را برای آن‌ها فراهم کرده باشد؛ باعث می‌شود آن افراد به‌ویژه دانشجویان داوطلب خبره و با تجربه‌ای که طی سال‌ها سرمایه‌گذاری‌های زیادی روی آن‌ها انجام شده است، به‌راحتی سازمان مزبور را ترک کرده و جذب دیگر رویدادهای ورزشی یا دیگر نهادهای داوطلبی شوند. درنتیجه زحمات، تلاش و هزینه‌های مربوط به برنامه‌ریزی، جذب، گزینش و انتخاب، آشنایی و توجیه، تمرین و توسعه، ارزیابی عملکرد، به‌کارگیری و پاداش، حفظ و نگهداری دانشجویان داوطلب و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته روی این قشر از دانشجویان به‌هدر می‌رود.

بی‌شک نتایج پژوهش حاضر به مدیران دانشگاه‌ها و اداره کل کمک می‌کند تا با شناخت علل و چالش‌های موجود و پیش‌روی فعالیت‌های داوطلبی دانشجویان، برنامه‌های خود را ارزیابی و اصلاح کرده و انجمن‌های ورزشی را در شرایطی قرار دهند تا هم برای دانشجویان داوطلب و هم برای ادارات

تربیت بدنی دانشگاه‌ها و در نهایت برای ورزش کشور مفید و مثمر ثمر واقع گردد. همچنین به آن‌ها کمک خواهد کرد تا راهکارهایی را جهت برنامه‌ریزی، جذب، گزینش و انتخاب، آشنایی و توجیه، تمرین و توسعه، ارزیابی عملکرد، به‌کارگیری و پاداش، حفظ و نگهداری دانشجویان داوطلب و تداوم فعالیت‌های انجمن‌های ورزشی دانشگاهی به‌کار گیرند. بنابراین به‌نظر می‌رسد شناخت چالش‌هایی که مدیران در تصمیم‌گیری و ادامه فعالیت دانشجویان برای داوطلب شدن در سازمان‌های ورزشی به خصوص دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با آن مواجه‌اند، در تغییر این روند و بهبود بسیاری از زمینه‌های اقتصادی، زمان و ... مؤثر باشد؛ زیرا حضور دانشجویان جوان در انجمن‌های ورزشی و فعالیت‌های داوطلبانه در سطح دانشگاه، باعث ایجاد علاقه و انگیزش درونی در آن‌ها نسبت به ورزش و دور ماندن از بسیاری از ناهنجاری‌های جسمانی، روانی و سایر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی خواهد شد. چرا که شرکت در فعالیت‌های ورزشی در گروه‌های دوستانه دانشجویی و داشتن تعامل اجتماعی با دیگر دانشجویان در سطح دانشگاه، باعث افزایش تعاملات اجتماعی دانشجویان داوطلب می‌شود و دانشجویان را که آینده‌سازان کشور محسوب می‌گردند؛ برای انجام هرچه بهتر وظایف متعددی که در آینده به آن‌ها محول خواهد شد، مهیا می‌سازد.

References

- حاجی حسنی، مبین؛ گودرزی، محمود؛ دهقان قهفرخی، امین (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی مدیریت داوطلبی رویدادهای ورزش دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۹۹.
- Cuskelly, G. Fredline, L. Kim, E. Barry, S. (2021) Volunteer selection at a major sport event: A strategic Human Resource Management approach, Sport Management Review, 24 (1), pp 116–33.
- Hoye, R. Cuskelly, A. C. Kappelides, P. Misener, K. (2020) Sport volunteering, Routledge, 1st Edition, London.
- Johnson, J. E. Giannoulakis, C. Felver, N. Judge, L. W. David, P. A. Scott, B. F. (2017) Motivation, Satisfaction, and Retention of Sport Management Student Volunteers, Journal of Applied Sport Management, Urbana, 9, pp 1-27.